

متن پرسش

سلام و نور: امیدوارم حال شما خوب باشه. من ده سال است که در حال امتحان الهی هستم، قبلا خیلی پر شور و شاداب بودم، رفته رفته این امتحان و رنج بسیارش مرا رشد داد، به سمت مطالعه و کتاب کشیده شدم، وویس گوش می‌کنم، سعی کردم خود شناسی و خدا شناسی را پی بگیرم فلسفه می‌خوانم و دروس معرفت نفس. بیشتر از کتاب‌ها رنج آن امتحان خیلی مرا رشد داد و بزرگ کرد، صبور شدم برای حوائج مثل قبل بی‌قراری نمی‌کنم گویی در ذهن من یک سکون و یک سکوت است که مرا به صبر بر این رنج فرمان می‌دهد، عمیق فکر می‌کنم، عمیق نگاه می‌کنم، مثل صبورانه در انتظار مقدراتم نشسته‌ام و سعی می‌کنم خودسازی کنم. سوالم راجع به این سکوت ذهنی من است این سکوت ذهن چیست؟ گاهی حس می‌کنم شاید نیاز به مشاور باشد. گاهی می‌گویم این سکوت ذهن، آرامش بی‌نظیر پس از آن ابتلائات است همه می‌گویند خیلی تغییر کرده‌ای، درون‌گرا شده‌ای اما عمیق.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گمان می‌کنم این همان حالت حضور در «وجود» باشد. حضوری که در نسبت با «وجود»، انسان با هیچ چیز خاصی روبرو نیست زیرا «وجود» چیزی نیست مگر خود وجود در عین آشکارگی در جلوه مخلوقات. موفق باشید